

تجارت و دیپلماسی صفوی

● امیررضا طهماسبی راد
● سهراب آقایی

درباره‌ی مترجم

دکتر زندیه دانش‌آموخته‌ی مقطع دکترای تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی تاریخ و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی کار ترجمه‌ی متون تاریخی را به طور تفننی و نه حرفه‌ای از دوران تحصیل در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ در دانشگاه تهران شروع کرد. مقالات متعددی از وی در دوران دانشجویی منتشر شد. اولین مقاله‌ی او تحت عنوان «روابط ایران و عثمانی در سده‌ی هجدهم و نوزدهم»، ترجمه از جلد ششم تاریخ کمبریج بود که در مجله‌ی تاریخ روابط خارجی منتشر شد. پس از آن، کتاب نظام قضایی عصر صفوی اثر دکتر ویلم فلور را ترجمه کرد که دوبار تجدید چاپ شد و هم اینک در حال انتشار کتاب نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی است.



■ چه شد که سراغ ترجمه‌ی این اثر رفتید؟

□ علت اصلی ترجمه‌ی این اثر همانا علاقه‌مندی مترجم به تاریخ دوره‌ی صفویه بوده است. دوره‌ی صفوی در واقع یکی از دوره‌های درخشان و درعین حال مهم به لحاظ تحولات تاریخی است که همه‌ی تاریخ پژوهان ولو کسانی که به طور تخصصی در این حوزه فعالیت‌های پژوهشی انجام نمی‌دهند به آن علاقه‌مند هستند. اینجانب نیز به عنوان دانشجوی تاریخ به مطالعه‌ی تاریخ این دوره علاقه‌مند بوده و هستم و به‌ویژه این که رساله‌ی کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان «روابط ایران و ازبکان از دوره‌ی شاه عباسی تا مرگ نادر» انتخاب کرده تا مطالعه‌ی بیشتری در این دوره داشته باشم. صرف‌نظر از این موضوع بنده معتقدم پژوهش‌های صفوی-شناسی در داخل کشور و از سوی دانشجویان و محققان عصر صفوی مانند بسیاری از دوره‌های تاریخ ایران دچار انسداد شده و در یک سیکل بسته گرفتار آمده و تکرار مکررات منجر به ارائه‌ی مطالب و

■ اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی (چهار مطالعه‌ی

موردی)

■ مولف : رودلف پ. متی

■ مترجم : حسن زندیه

■ قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ چاپ اول؛ سال نشر ۱۳۸۷؛
۲۱۰ صفحه

اشاره:

کتاب اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، در پنجمین دوره‌ی کتاب فصل جمهوری اسلامی (پاییز ۱۳۸۷)، به عنوان اثر برگزیده‌ی حوزه‌ی تاریخ انتخاب شد. به همین علت گفت‌وگویی با مترجم این کتاب در مورد نویسنده، ترجمه‌ی کتاب و ساختار و ویژگی‌های آن انجام شد که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. پس از گفت‌وگو، معرفی اجمالی کتاب درج شده است.

پژوهش‌های صفوی‌شناسی در داخل کشور و از سوی دانشجویان و محققان عصر صفوی مانند بسیاری از دوره‌های تاریخ ایران دچار انسداد شده و در یک سیکل بسته گرفتار آمده است

اندک است. اطلاعات مربوط به مبادله‌ی شمش فقط با به قدرت رسیدن سلسله‌ی صفوی و به اتکای منابع پرتغالی که اطلاعاتی راجع به داد و ستد شمش بین ایران و هند از راه دریا ارائه می‌دهند، کامل‌تر می‌شود. این فصل، داد و ستد شمش و مسکوکات را همان‌طور که طی سده‌ی هفدهم و اوایل قرن هجدهم از طریق ایران جریان داشت، بررسی می‌کند بحث اصلی این بخش عبارت است از نقش طلا در نقل و انتقالات، هم از لحاظ نقشی که این فلز به‌طور کلی در مبادله‌ی بین‌المللی کالاها برای شمش و سکه و هم تجارت داخلی ایران داشته است.

فصل سوم «تجار در عصر صفوی؛ شرکا و دیدگاه‌ها» علی‌رغم باور عمومی محققان که عمدتاً آرامنه را محور اصلی تجارت در دوره‌ی صفوی می‌دانند، رودی متی تجار ارمنی را همراه با سایر گروه‌های تجارت‌پیشه، همانند یهودیان، بانیان و مسلمانان که در تجارت بومی ایران فعال بودند، از سه منظر متفاوت بررسی می‌کند. بخش اول، مروری است بر انواع فعالیت‌های این گروه‌ها، شناخت آن‌ها و این که یهودیان علاوه بر بانک‌داری، در تجارت کالا به نقاط دوردست نیز فعال بودند. مسلمانان در کار حمل و نقل نقش اساسی داشتند و برای تجارت خارجی که در ایران مشغول فعالیت بودند، اعتبار فراهم می‌کردند. بخش دوم به موضوعی می‌پردازد که توجه زیادی را در مطالعات مغول‌شناسی (تیموریان یا گورکانیان هند) به خود معطوف داشته، اما در متون دوره‌ی صفوی از آن غفلت شده است و آن عبارت است از موقعیت تجار در جامعه، به ویژه رابطه‌ی آن‌ها با حکومت. بخش سوم با بررسی طرز تلقی حکومت از تجارت و خودآگاهی گروهی خود آنان، این موضوع را بیشتر موشکافی می‌کند.

فصل چهارم تحت عنوان «دغام ضرب‌خانه و وخامت مسکوکات در اواخر دوره‌ی صفوی (ضراب‌خانه‌ی هویزه)» ارائه شده است. شهرستان هویزه از ابتدای دوره‌ی صفوی مرکز ضرب سکه بود و طی قرن هفدهم به عنوان یک ضرب‌خانه‌ی خاص به ضرب سکه‌ی نقره‌ی محمودی می‌پرداخت که رایج‌ترین پول در سرتاسر ساحل خلیج فارس بود. این بخش موقعیت هویزه را در

رویکردهای جدید نخواهد شد. فقط محققانی می‌توانند مطالب جدید ارائه کنند که به اسناد و مدارک جدید و ناخوانده مراجعه نمایند. آرشیو کمپانی هند شرقی هلند یکی از مراکزی است که میلیون‌ها برگ سند به‌ویژه در امور مالی و تجاری از عصر صفوی را در دل خود جای داده است که به خط و زبان قرن شانزدهم و هفدهم هلندی است و محققان داخلی را بهره‌ای از آن‌ها نیست. دکتر رودی متی به لحاظ اینکه اولاً هلندی‌الاصل است و به زبان‌های مختلف اشراف لازم را دارد از این‌گونه اسناد بهره‌ی کافی می‌برد، لذا تحقیقات او می‌تواند مطالب جدیدی فراروی تاریخ‌پژوه عصر صفوی بگذارد. لذا ترجمه‌ی این اثر و آثار دیگری از همین دست قابل توجیه است.

■ ساختار کتاب را چطور می‌بینید؟

□ این کتاب طی چهار فصل اوضاع اقتصادی و سیاست خارجی عصر صفوی را بررسی می‌کند. فصل اول تحت عنوان «دیپلماسی ایران در قبال عثمانی طی دوره‌ی سلطنت شاه سلیمان اول» بر محوریت معاهده‌ی صلح زهاب و نقش آن در اوضاع داخلی و بین‌المللی دوره‌ی صفوی استوار است. این معاهده یک قرن و نیم خصومت میان دو دولت قدرتمند جهان اسلام را خاتمه بخشید. گرچه ماهیت این فصل مسائل سیاسی - نظامی است، لکن رویکرد جدید اقتصادی این بخش که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته، این است که از نتایج معاهده‌ی صلح زهاب بهبود روابط بازرگانی فی‌مابین ایران و عثمانی و به تبع آن با سایر کشورها در سایه‌ی امنیت و آرامش ناشی از انعقاد این معاهده و فروکش کردن جنگ بود. این معاهده از معاهدات بسیار مهم در تاریخ ایران بود که تعیین حدود و ثغور بر مبنای آن تا دوران معاصر بین ایران و عراق و ترکیه کماکان لحاظ می‌شد.

فصل دوم «تجارت طلا در اواخر عصر صفوی بین ونیز و سورات» است. ایران عصر صفوی بر سر چهارراهی بین قلمرو عثمانی و مغول قرار داشت. با وجود این، اطلاعات صریح پیرامون نقش ایران در کالاهایی که بابت آن‌ها شمش مبادله می‌شد، تا قرن شانزدهم

**موضوعی که توجه زیادی را در مطالعات مغول‌شناسی
(تیموریان یا گورکانیان هند) به خود معطوف داشته،
اما در متون دوره‌ی صفوی از آن غفلت شده است عبارت است
از موقعیت تجار در جامعه، به ویژه رابطه‌ی آن‌ها با حکومت**

ایشان ارتباط اینترنتی برقرار نمودم و ایشان که مرا را علاقه‌مند یافت، به ترجمه‌ی آثارش تشویق کرد و مقالات و کتب جدید خود را ارسال داشت که در آتیه ترجمه و ارائه خواهد شد.

■ کتاب دیدگاهی تازه نسبت به آنچه بی‌عملی شاهان میانی سلسله‌ی صفوی و به ویژه شاه سلیمان نامیده می‌شود، مطرح می‌کند. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از نظر شما صحت و قوت این نظریه تا چه حد است؟

□ این ادعا حداقل در مورد شاه سلیمان اول صادق است و در واقع فصل اول این کتاب ناظر بر همین موضوع است. سیاست‌های شرقی امپراتوری عثمانی تابعی از سیاست‌های غربی آن بود و رویکرد کشورهای اروپایی به ایران عصر صفوی هم از منظر سیاست‌های غربی امپراتوری عثمانی قابل تجزیه و تحلیل است. امپراتوری عثمانی هرگاه در جبهه‌های غربی گرفتار می‌آمد، در جبهه‌ی شرقی سیاست مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه درپیش می‌گرفت. دول غربی هم هرگاه در معرض یورش بی‌امان سپاه ینی چری عثمانی قرار می‌رفتند، سیاست تحریک ایران علیه عثمانی و ناامن کردن جبهه‌ی شرقی عثمانی را در دستور کار خود قرار می‌دادند و هیأت‌های دیپلماتیک به ایران اعزام می‌کردند. نکته‌ای که در دوره‌ی شاه سلیمان باید به آن توجه شود، هوشیاری سیاسی و دستگاه دیپلماسی کارآمد وی بود که تحت هیچ شرایطی با تحریکات هیأت‌های دیپلماسی اروپا اغوا نشد و حاضر به نقض معاهده‌ی صلح زهاب که امنیت و آرامش را برای دو دولت مسلمان به ارمغان آورده بود نشد. از طرف دیگر شاه سلیمان از توانمندی‌های نظامی ایران شناخت کاملی داشت و نیک می‌دانست که شمشیرهای برنده‌ی قزلباشان سخت‌نگار گرفته است. گرچه وی در جهت بازسازی و به‌سازی قشون ایران اهتمام جدی مبذول نداشت و از این منظر ناکارآمد می‌نمود؛ ولی همین که به این اندازه سیاست داشت که با این سیاهی لشکر، خود و کشور را به مهلکه‌ی قشون عثمانی نیندازد و آلت دست تحریکات اروپاییان قرار ندهد، قابل ستایش است.

ادغام عمومی ضرب‌خانه‌ها در طول قرن هفدهم در ایران بررسی می‌کند و در پی تبیین این مسأله است که چرا تا حدی عربستان (خوزستان) از این قاعده مستثنی بوده است. هم‌چنین این بخش بر آن است که وخامت ادعا شده درباره‌ی مسکوکات هویزه در دهه‌ی ۱۶۶۰ را، از طریق روش‌های سکه‌شناسی اثبات کند و آن را با وضعیت کلی پولی کشور مرتبط و علل و عوامل سقوط محمودی هویزه را در آغاز قرن هجدهم بررسی کند.

■ درباره‌ی نویسنده‌ی کتاب و روند آشنایی با وی و آثارش توضیحی بفرمایید.

□ همان‌طور که استحضار دارید، دکتر رودلف پ. متی، هلندی‌الاصل، ساکن آمریکا، متخصص تاریخ ایران و خلیج فارس و در حال حاضر دانشیار گروه تاریخ دانشگاه دلووار آمریکا در رشته‌ی خاورمیانه است. وی زبان عربی را در قاهره و زبان فارسی را در دانشگاه تهران آموخته است. متی درباره‌ی تاریخ دوره‌ی صفوی و قاجار آثار متعدد و ارزشمندی دارد و تاکنون بیش از سی مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده و بیش از ده سخنرانی با محور ایران، به ویژه دوره‌ی صفوی، در محافل علمی کشورهای مختلف ایراد کرده است. وی با تألیف کتاب سیاست‌های تجاری صفویان: ابریشم در برابر نقره *The politics of Trade in safavid Iran: Silk for silver* موفق به دریافت جایزه‌ی جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است. گرچه از سال‌ها پیش بعضی از آثار ایشان را به‌طور پراکنده و تفننی مطالعه کرده بودم؛ لکن آشنایی جدی و عمیق با آثار ایشان به همان سالی مربوط می‌شود که کتاب ایشان کتاب برگزیده‌ی سال شد، لذا کنجکاو شدم که این کتاب را بدست آورده و مطالعه کنم. مباحث مطرح‌شده در کتاب، روش تحقیق و استفاده‌ی وسیع از منابع و مأخذی که عمدتاً دور از دسترس محققان داخلی هستند، جالب توجه می‌نمود. در همین راستا آثار دیگری از ایشان را به دست آوردم و ترجمه کردم که نتیجه‌ی فعلی آن همین کتاب است. در حین اشتغال به ترجمه، با



□ با عنایت به ماهیت و محتوی کاملاً تخصصی این کتاب به ویژه سه فصل آخر، مخاطبان این کتاب پژوهشگران در حوزه‌های خاص تاریخ، آن هم تاریخ تحولات اقتصادی و تجاری خاصه محققان دوره‌های تحویلات تکمیلی خواهند بود. البته منعی ندارد که سایر پژوهشگران از جمله دانشجویان و محققان رشته‌ی اقتصاد و مالیه، باستان‌شناسی (بخش مسکوکات) و مدیریت بازرگانی هم به آن مراجعه کنند شاید که مفید واقع شود.

■ چه کتاب یا کتاب‌هایی را پیش زمینه یا مکمل این کتاب برای مطالعه می‌دانید؟

□ کتاب‌های متعددی برای پیش‌زمینه لازم است؛ لکن به‌جای آن که به اسامی آن کتاب‌ها اشاره کنم بهتر است بگویم که حداقل شناخت تاریخ صفوی در حد یک کارشناس تاریخ لازم است تا بتواند از مباحث تخصصی این کتاب بهره‌ی لازم را بدست آورد.

■ دلایل انتخاب کتاب به عنوان کتاب فصل چه بود؟

□ باید این سؤال را از خانگی کتاب و ارزیاب محترم سؤال کرد. البته بعداً ارزیاب محترم اذعان داشت که ترجمه را با متن اصلی تطبیق داده و ترجمه‌ی خوبی بوده است.

■ توضیحی درباره‌ی روند ترجمه و چاپ اثر و مشکلاتی که طی انجام این امر با آن مواجه شدید بفرمایید؟

□ صرف نظر از پیچیدگی و تخصصی بودن متن، قلم دکتر متی قلم سنگین و ادیبانه‌ای است و این امر کار ترجمه را کمی با مشکل مواجه می‌سازد. اینجانب در حین ترجمه مشکلات را با خودش در میان می‌گذاشتم و ایشان هم با سعه‌ی صدر همه‌ی ایرادات و ابهامات را جواب می‌دادند. علاوه بر این، پس از ترجمه و حروف‌چینی برای اتمام حجت و اطمینان خاطر یک‌بار هم متن را به امریکا فرستادم تا دکتر متی که زبان فارسی را خوب می‌داند، آن را مطالعه کند که این کار را به خوبی انجام داد و از این بابت از ایشان تشکر می‌کنم. زحمت چاپ و نشر را گروه محترم تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه متقبل شد که مشکل خاصی در این زمینه وجود نداشت و جای آن است که از مسئولان و اعضای شورای پژوهش گروه تاریخ و مدیران انتشارات تشکر کنم.

گفت‌وگو از: امیررضا طهماسبی راد

■ به نظر شما چه نکات یا موضوعات بحث‌انگیز یا مورد مناقشه‌ای در این کتاب مطرح شده است؟

□ به نظر این‌جانب موضوع بحث‌برانگیزی یا مورد مناقشه‌ای در این کتاب وجود ندارد. البته این به معنای آن نیست که خوانندگان نیز همین مطلب را تأیید کنند. حوزه‌ی علوم انسانی عرصه‌ی چالش و جدال‌های فکری است و می‌تواند مباحث متعددی را برانگیزد. لکن اگر یک متن، سئوالات و ابهاماتی را مطرح کند که خود اسباب تحقیقات دیگری را باعث شود، آن را هم باید به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد. به نظر این‌جانب این کتاب چنین ویژگی‌هایی را دارد و موضوعاتی را مطرح کرده که تحقیقات جدی‌تر را طلب می‌کند. از جمله اینکه:

- آیا انعقاد معاهده‌ی صلح زهاب می‌تواند به عنوان نقطه‌ی آغازی برای ضعف و زوال نیروی جنگی قشون ایران محسوب شود؟
- آیا شاه سلیمان از ترس ضعف نیروی جنگی قزلباشان معاهده‌ی صلح زهاب را نقض نمی‌کرد یا متوجه منافع بلندمدت ناشی از حاکمیت صلح و ثبات بود؟

- بانیان چه نقشی در اقتصاد و سیاست عصر صفوی ایفا می‌کردند؟ آیا با بازشناسی نقش بانیان، نقش درجه اول ارامنه را در حیات اقتصادی و بازرگانی عصر صفوی به چالش نمی‌کشد؟
- مطالعات سکه‌شناسی دوره‌ی صفوی چه اهمیتی دارد و نقش آن در واکاوی تاریخ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر صفوی در چه حد است؟

■ مخاطبان اصلی این کتاب چه کسانی هستند؟ پژوهشگران در حوزه‌های خاص تاریخی، عموم پژوهشگران یا حتی افراد علاقه‌مند به تاریخ؟

دول غربی هرگاه در معرض یورش بی‌امان سپاه یینی چری عثمانی قرار می‌رفتند، سیاست تحریک ایران علیه عثمانی و ناامن کردن جبهه‌ی شرقی عثمانی را در دستور کار خود قرار می‌دادند و هیأت‌های دیپلماتیک به ایران اعزام می‌کردند

شاه سلیمان که نمی‌خواست بدون برنامه خود را درگیر جنگ با عثمانی سازد. از جمله دلایل دیگری که از سوی نویسنده در این مورد عنوان می‌شود، این است که چون ایران از اتحاد دولت‌های همسایه‌ی سنی‌مذهب خود، یعنی ازبکان و مغولان هند هراس داشت، علیه عثمانی وارد جنگ نشد. نویسنده دلیل موضع انفعالی دربار شاه سلیمان را بیش از این که مربوط به سستی و تبلی بداند، ناشی از ملاحظات استراتژیکی و ژئوپلیتیکی می‌داند. نویسنده در پایان این مقاله نتیجه می‌گیرد که بر اساس مطالعه‌ی منابع موجود، به این نتیجه می‌رسیم که تجسم دربار صفوی به عنوان یک دربار ضعیف و بی‌حرکت که به ایستادگی در مقابل دشمن بزرگش تمایل نداشت، چندان با واقعیت مطابقت ندارد.

دومین مقاله به تجارت طلا در اواخر صفویه بین ونیز و سورات می‌پردازد. این مقاله دادوستد شمش و مسکوکات را طی سده‌ی هفدهم و اوایل قرن هجدهم (نیمه‌ی دوم سلطنت صفویان) که از طریق ایران جریان داشت، بررسی می‌کند. نویسنده در آغاز به بررسی نقش طلا پیش از صفویه، سپس به بررسی این مقوله در عهد صفویه می‌پردازد، سپس کارکرد طلا را به عنوان پول بین‌المللی در حیات اقتصادی صفوی و همچنین نقش دولت را در اداره‌ی جریان طلا بررسی می‌کند. آنگاه به موضوع قیمت طلا در ایران می‌پردازد و دودسته عوامل را در نوسان قیمت طلا مهم می‌داند (الف) نوسان کوتاه‌مدت (ب) روند بلندمدت. از جمله عواملی که نویسنده در توضیح نوسان کوتاه‌مدت بیان می‌کند به قرار زیر است: مراسم اهدای هدایا در نوروز و افزایش تقاضا برای خرید طلا؛ تمایل همیشگی ثروتمندان به جمع‌آوری طلا و نقره؛ زمان سفر به حج و عتبات عالیات که زائران با خود طلا می‌بردند، زیرا طلا تنها پول مناسب برای حمل به نقاط دور دست بود. در مورد آخر، شاه‌عباس کوشید با مطرح کردن زیارت مرقد امام رضا (ع)، از خروج طلا جلوگیری کند؛ ولی در زمان جانشینان وی دوباره سفر به حج و عتبات اهمیت و رونق پیشین خود را بازیافت. عرضه و قیمت شمش در ایران صفوی، از عوامل خارجی چندی نیز تأثیر می‌پذیرفت، از جمله: شایعه‌ی نزدیکی کاروان غنی عثمانی باعث نوسان ارزش سکه‌ی طلا در ایران می‌شد. جنگ و یا تهدید به جنگ نیز بر قیمت طلا در ایران تأثیر می‌گذاشت. اقدامات عثمانی در جهت جلوگیری از ورود طلا به ایران نیز قیمت طلا را در کشور تغییر می‌داد. تقاضا در هند، حرکت ناوگان کشتیرانی به هند در بهار، یا ترک کشتی‌های هندی، همه بر قیمت طلا در ایران اثر داشت و آن را کم یا زیاد می‌کرد. نویسنده در این میان، عامل سفر حجاج را



معرفی کتاب

کتاب اقتصاد و سیاست خارجی صفوی، مجموعه‌ی چهار مقاله از رودلف پ. متی در موضوع روابط خارجی و اقتصاد صفویه است که حسن زندیه آن را به فارسی ترجمه کرده است. این مقالات عمدتاً متکی بر اسناد و مدارک آرشیوهای کشورهای است که از دسترس محققان ایرانی دور مانده است و همین موضوع بر اهمیت این مقالات می‌افزاید.

در نخستین مقاله، روابط ایران و عثمانی در زمان سلطنت شاه سلیمان اول از سال ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ بررسی شده است. نویسنده در این مقاله از تکاپوهای سیاسی دولت‌های اروپایی در جهت اتحاد با ایران، علیه عثمانی بحث می‌کند و سیاست ایران را در قبال تحركات اروپاییان بررسی و دلایل مخالفت ایران با سیاست اروپاییان را بیان می‌کند.

نویسنده درگیری‌های نظامی امپراتوری عثمانی را با اروپاییان، پس از امضای معاهده‌ی صلح زهاب، به علت تداوم این معاهده می‌داند و موارد متعددی برای پابندی ایران به این معاهده برمی‌شمرد. وی برخلاف برخی محققان که معتقدند ایران پس از امضای عهدنامه صلح زهاب از نظر نظامی در ضعف به سر می‌برد، معتقد است که پابندی ایران به معاهده‌ی صلح زهاب به دلیل ضعف نظامی ایران نبود، بلکه به دلیل هشیاری سیاسی شاه سلیمان و صدر اعظم وی شیخ علی خان زنگنه بود. شاه سلیمان در جواب نماینده‌ی روسیه که ایران را به اتحاد با این کشور علیه عثمانی فرامی‌خواند گفت: ما زمانی به بغداد حمله می‌کنیم که روسیه و لهستان واقعاً درگیر جنگ با عثمانی باشند و علاوه بر این باید مطمئن باشیم که بدون جلب نظر ما با عثمانی صلح نخواهید کرد. این امر ناشی از بی‌اعتمادی ایران به اروپاییان بود و ناشی از درایت

نویسنده درگیری‌های نظامی امپراتوری عثمانی را با اروپاییان، پس از امضای معاهده‌ی صلح زهاب، به علت تداوم این معاهده می‌داند و موارد متعددی برای پایبندی ایران به این معاهده برمی‌شمرد

ابریشم را به دست آوردند. هرچند در زمان شاه صفی از این امتیاز محروم شدند، ولی با این وجود تا اواخر دوره‌ی صفویه، تجارت زمینی ابریشم تحت سیطره‌ی آنان بود، به طوری که در دهه‌ی ۱۰۷۰، سیصد نفر از تاجران ارمنی در شهر لیوانو ایتالیا زندگی می‌کردند و در همان زمان این شهر به محل اقامت کنسول ایرانی - ارمنی تبدیل شد.

نویسنده برخلاف برخی از محققان که تاجران ارمنی را تاجران خرده یا می‌دانند، معتقد است که در تجارت خارجی، به ویژه در تجارت لوانت، خاندان‌ها و خانواده‌های برجسته‌ی ارمنی اهل جلفای جدید، مانند خاندان کلانتر و خاندان شهرامین، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند و شرکتی به نام جلفا تشکیل داده بودند. ارمنیان نه فقط در مورد تجارت ابریشم، بلکه در اقسام فراوان تجارت در شمال ایران حرف اول را می‌زدند و تاجران اروپایی تلاش زیادی داشتند تا با ترفندهای مختلف آنان را از میدان بیرون کنند، ولی در این راه موفق نشدند. ارامنه با هند نیز روابط تجاری داشتند و علاوه بر تجارت دریایی، از مسیر زمینی قندهار نیز به تجارت با هند می‌پرداختند. آنان علاوه بر ورود کالاهای مختلف، مقدار زیادی شمش طلا و سکه نیز به ایران وارد می‌کردند.

یهودیان نیز از جمله گروه‌های تجاری ایران بودند که در این مقاله به آنان پرداخته شده است. یهودیان در تجارت عصر صفویه بسیار سهیم بودند و آراکل، وقایع‌نگار ارمنی، خاطر نشان می‌سازد که بسیاری از یهودیان تاجر بودند و در خرید و فروش پارچه‌ی مرغوب و زینت‌آلات نقره موفق بودند. تاجر یهودی شیراز در اصفهان کاروانسراهایی داشتند و اجازه نداشتند در مکان دیگری اطراق کنند. علاوه بر تجارت، یهودیان در ایجاد اعتبار به صورت برات، برای کمپانی‌های اروپایی در بندرعباس فعال و سهیم بودند. پس از این که شاه عباس دوم ارامنه و یهودیان را مجبور کرد به اسلام ایمان بیاورند، موقعیت آنان به خطر افتاد و این امر بر تجارت نیز اثرات منفی نهاد، به طوری که در اوایل قرن هجدهم، یهودیان در امور صرافی و اعتباری از بانیان هندی عقب افتادند. منابع کمپانی هند شرقی هلند در سال‌های ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۰ در برابر ذکر اسامی ۱۰

از همه مهم‌تر می‌داند. نویسنده عوامل بلندمدت را چنین بیان می‌دارد: قیمت طلا از حدود سال ۱۱۰۱ هجری به دلیل ورود حجم زیاد طلا از اروپا رو به کاهش نهاد و در ایران نسبتاً ارزان شد. دومین عامل سیاست جدید عثمانی نسبت به ضرب مجدد مسکوک بود، که در سال ۱۱۰۸ باعث کاهش قیمت طلا در عثمانی شد و به موازات آن قیمت طلا در ایران افزایش یافت. سومین عامل سفرهای زیارتی حج است، که در عوامل کوتاه‌مدت نیز به آن اشاره شد. حجاج در سال ۱۱۱۵ تقریباً مبلغ صد هزار تومان با خود به حج بردند، در حالی که درآمد دولت صفویه به ۶۰ هزار تومان می‌رسید. دولت صفویه نیز برای حل این مشکل به اقداماتی دست زد، از جمله این که ظروف طلای مرقد امام رضا را ذوب کرد و ده هزار تومان وارد خزانه سلطنتی کرد؛ اما بر قیمت طلا تأثیر چندانی نداشت و در سال‌های پیش از سقوط صفویان، رشد فزاینده‌ای یافت. چنان که در سال ۱۱۳۴ بهای طلا به هجده محمودی رسید.

سومین مقاله با عنوان *تجار در عصر صفوی (شرکا و دیدگاه‌ها)* به بررسی تجارت و جایگاه تجار در ایران عصر صفوی پرداخته است. این مقاله دوره‌ی زمانی سلطنت شاه عباس (۹۵۵ هـ) تا انقراض سلسله صفویه (۱۱۳۵ هـ) را دربرمی‌گیرد. در این مقاله، ابتدا گروه‌های تجاری بررسی شده‌اند. نخستین گروه از تاجران ارمنیان هستند. ارمنیان در زمان شاه عباس حقوق انحصاری تجارت

**تجسم دربار صفوی به عنوان
یک دربار ضعیف و بی‌حرکت
که به ایستادگی در مقابل دشمن
بزرگش تمایل نداشت، چندان با
واقعیت مطابقت ندارد**

بازرگانان و صنعتگران ایران در زمان صفویه، هم‌پراز طبقه‌ی سوم در فرانسه بودند، که بعد از نخبگان سیاسی و نظامی قرار می‌گرفتند

قدرت، سعی داشتند در گمنامی به سر ببرند. تجار عمده فروش با نخبگان سیاسی صفوی ارتباط نزدیکی داشتند و روابط بین حوزه‌های سیاسی و تجاری عصر صفوی به قدری نزدیک بود، که مرز میان آن‌ها مشخص نبود. وابستگی دولت به تجار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. دربار برای حمل کالاهای تجاری خود، به خدمات تجار نیاز داشت؛ دربار از اعتبار تجار استفاده می‌کرد و علاوه بر این به پول نقدی که به ایران وارد می‌کردند، نیازمند بود. ارامنه در این مورد جایگاه خوبی داشتند و همواره مقداری پول به شاه می‌دادند. به همین علت، غالباً یک ارمنی به سمت مدیر ضراب‌خانه‌ی اصفهان منصوب می‌شد. دولت در زمینه‌ی انتقال کالا و حتی سربازان خود به تاجران کمپانی هند شرقی هلند و انگلیس وابسته بود.

بازرگانان نیز به دولت وابسته بودند و به واسطه‌ی یک مجموعه از قراردادهای سازمانی، با نظام سیاسی گره خورده بودند. علاوه بر این، کارهای صنعتی غالباً در کارگاه‌ها یا کارخانه‌های صنعتی دربار انجام می‌شد و بازار نیز تحت کنترل دولت بود. دولت با انتصاب ملک‌التجار بر کار تاجران عمده نظارت می‌کرد. هرچند بازرگانان خدمات مفیدی انجام می‌دادند، اما قادر به ورود به محافل قدرت نبودند. در مجموع، تاجران به منظور به دست آوردن بیشترین سود و کم‌ترین دخالت حکومت تلاش می‌کردند و چون مصلحت آنان در وجود جاده‌های امن و کاروان‌سراهای منظم بود، منافع خود را با همه‌ی استفاده‌کنندگان از این امکانات تقسیم می‌کردند. تجار مورد احترام بودند، اما در نظام

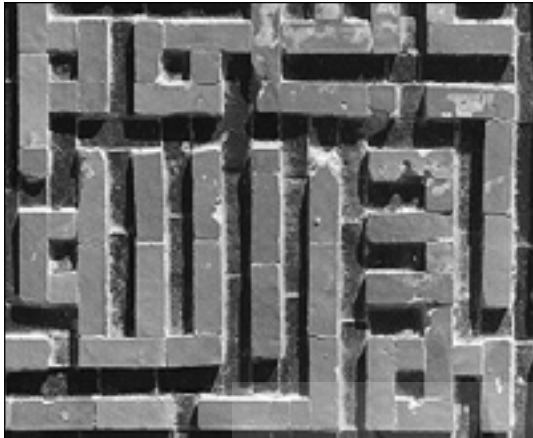
نفر هندی، نام سه نفر یهودی را ذکر می‌کنند که برای این شرکت کارهای صرافتی انجام می‌دادند.

تاجران هندی نیز در عرصه‌ی تجاری ایران فعال بودند و تعداد انبوه آنان در شهرهای بندری ایران تأییدی بر این گفته است. بانیان یک سوم جمعیت بندرعباس را تشکیل می‌دادند. در شهر شماخی دوپست تاجر هندی زندگی می‌کردند و در اصفهان ده تا پانزده هزار هندی اقامت داشتند. کار اصلی آنان صرافتی بود، زیرا به دلیل تحریم ربا در اسلام، امور صرافتی بر عهده‌ی یهودیان و بانیان بود و به دلیل محدودیت یهودیان، بانیان موقعیت بهتری داشتند. بانیان در میان مسلمانان و اروپاییان به یک اندازه مورد نفرت بودند؛ چون از اروپاییان سود زیادی دریافت می‌کردند و مسلمانان نیز به دلیل رباخواری، با آن‌ها میانه‌ی خوبی نداشتند. علاوه بر این آنان در تجارت خرده‌فروشی نیز فعال بودند و به عنوان شرکاء تجاری روسیه شناخته می‌شدند و به تجارت کالاهایی مانند لباس، شکر و نیل می‌پرداختند. برخی از آنان ثروت زیادی نیز اندوخته بودند.

مسلمانان به اتفاق یهودیان، تجارت بومی ایران را در دست داشتند. تاجران مسلمان به جز موارد استثنایی، کمتر به تجارت خارجی، به‌ویژه با دول اروپایی می‌پرداختند. در میان تاجران مسلمان، بازرگانان شیرازی که به‌طور فصلی کالاهای کمپانی-های اروپایی را می‌خریدند، همه ثروتمند و از بازرگانان شهرهایی مانند حلب، بصره و بغداد ثروتمندتر بودند. یک جنبه از تجارت که مسلمانان نقش مهمی در آن داشتند، حمل و نقل بود. تمام کالاهای توسط حیوانات بارکش حمل می‌شد. برای حمل بار بیشتر از شتر و در نقاط کوهستانی از قاطر استفاده می‌شد.

در واپسین بخش مقاله، موقعیت اجتماعی تاجران در جامعه‌ی صفوی و روابط آنان با حکومت بررسی شده است. به نظر تاورنیه، بازرگانان و صنعتگران ایران در زمان صفویه، هم‌پراز طبقه‌ی سوم در فرانسه بودند، که بعد از نخبگان سیاسی و نظامی قرار می‌گرفتند. بازرگانان در ایران در سلسله مراتب عالی اجتماعی قرار داشتند و جایگاه اجتماعی آنان ایجاب می‌کرد تا خواندن و نوشتن را فراگیرند. بیشتر بازرگانان از ترس جلب توجه بیش از حد مراجع

**تجار مورد احترام بودند، اما در
نظام سیاسی، از رابطه‌ی متقابل
وابسته، اما نامساوی برخوردار
بودند، و بیش از این‌که یک گروه با
قدرت سیاسی خودمختار باشند،
گروه نخبه‌ی فرمان‌بر بودند**



ندارد، زیرا به نقل از کمپانی هند شرقی هلند، بیش از شصت درصد نقره در سکه‌های هویزه به کار نرفته بود. عثمانی‌ها نیز به کیفیت نامطلوب این سکه‌ها پی بردند و یکی از مالکان سکه‌های تقلبی هویزه را اعدام کردند. علاوه بر اظهارات منابع مکتوب، با بررسی سکه‌های موجود از دوره‌ی شاه سلیمان، درمی‌یابیم که سکه‌ها بدون دقت ضرب شده‌اند. بسیاری از آن‌ها اشکال نامنظمی دارند، بعضی از آن‌ها کوچک‌تر از بقیه هستند، برخی از آنان بیضی شکل هستند و لبه‌های بعضی از آن‌ها ترک برداشته است و قابل مقایسه با سکه‌های ضرب‌شده در دوران شاه عباس اول و حتی شاه صفی نیستند. یکی از دلایل کاهش کیفیت سکه‌های هویزه، هرج و مرج و درگیری‌هایی است که پس از مرگ سیدعلی خان، والی هویزه، ایجاد شد. در این شرایط، رؤسای ضرب‌خانه‌ها چون نظارتی بر کار آن‌ها نمی‌شد، بدون توجه به کیفیت، به ضرب سکه می‌پرداختند. در این زمان، شاه سلیمان با صدور حکمی در ۱۰۹۵ هـ ضرب سکه‌های تقلبی را ممنوع کرد. در دهه‌ی ۱۱۰۰ هـ گردش محمودی‌های هویزه در ایران تداوم داشت، اما همه‌ی شواهد حاکی از این است که از این پس دیگر ضرب نشدند. کشمکش‌های خوزستان در دوره‌ی والی‌گری فرج‌الله هم‌چنان ادامه یافت که نشان‌گر افول کلی نظام صفویه است. در سال ۱۱۰۶/۱۶۹۴ اوضاع خوزستان به هم ریخت و قبایل عرب هویزه را محاصره کردند، وضعیت خوزستان و به تبع آن، هویزه برای ضرب سکه و فعالیت‌های ضرب‌خانه‌ای نامساعد شد و بدین ترتیب، حیات محمودی هویزه در آستانه‌ی قرن هجدهم به پایان رسید.

سهراب آقایی



سیاسی، از رابطه‌ی متقابل وابسته، اما نامساوی برخوردار بودند، و بیش از این که یک گروه با قدرت سیاسی خودمختار باشند، گروه نخبه‌ی فرمان‌بر بودند.

چهارمین مقاله، با عنوان: *ادغام ضرب‌خانه و وخامت مسکوکات در اواخر دوره‌ی صفوی (ضرب‌خانه‌ی هویزه)*، به ضرب‌خانه‌ی هویزه پرداخته است. این مقاله به دو موضوع می‌پردازد، بررسی موقعیت هویزه در ادغام عمومی ضرب‌خانه‌ها در طول قرن هفدهم و این که چرا عربستان در این مورد مستثنی بوده است و بررسی وخامت مسکوکات هویزه در دهه‌ی ۱۶۶۰ و هم‌چنین علل و عوامل سقوط سکه‌ی محمودی هویزه در آغاز قرن هجدهم میلادی.

ضرب‌خانه هویزه در گزارش‌های کمپانی‌های دریایی اروپایی جایگاه مهمی دارد و از آن‌جا که سکه‌هایش، نه تنها در ایران بلکه در سراسر حوزه‌ی خلیج فارس و دریای عمان تا هند غربی کاربرد داشت، می‌توان آن را ضرب‌خانه‌ی شاخص جنوب ایران دانست. سکه‌هایی که در ضرب‌خانه‌ی هویزه ضرب می‌شد، سکه‌ی دوشاهی مشهور به محمودی و محمدی بود. سابقه‌ی ضرب سکه در هویزه به دوره‌ی تیموریان می‌رسید و از زمان شاه اسماعیل اول سکه‌های نقره‌ی خوبی ضرب می‌کرد و در زمان شاه عباس و شاه صفی نیز هم‌چنان به ضرب سکه ادامه داد، اما طی نیمه‌ی قرن هفدهم بازدهی آن تنزل یافت، که اصلی‌ترین دلیل آن کمبود نقره در ایران بود، این بحران تمامی ضرب‌خانه‌های ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این زمان، بیشتر ضرب‌خانه‌های خراسان از فعالیت بازماندند؛ در منطقه‌ی ساحلی خزر نیز این بحران خود را نشان داد. تنها ضرب‌خانه‌هایی در شمال غرب توانستند به حیات خود ادامه دهند، که در این میان ضرب‌خانه‌های آذربایجان و ارمنستان از همه معروف‌تر بودند. دوره‌ی سلطنت شاه عباس دوم تا شاه سلیمان، اوج بحران نقره در ایران بود؛ تا آن‌جا که با پادشاهی شاه سلیمان تعداد ضرب‌خانه‌های ایران به پانزده مورد کاهش یافت. در این میان، ضرب‌خانه‌ی هویزه تا دهه‌ی ۱۶۷۰م، تنها ضرب‌خانه‌ی فعال در خوزستان بود که با پرداخت بهای بیشتری بابت نقره، توانست رونق زیادی به دست آورد؛ به طوری که سکه‌های هویزه در تمام ممالک صفویه رایج شد و دامنه‌ی فعالیت آن از مرزهای خوزستان و بخش علیای خلیج فارس فراتر رفت؛ اما در سال ۱۶۷۹ و ۱۶۷۰، نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند، با اشاره به کمبود شدید نقره اعلام کردند، که ضرابان هویزه سکه‌های عباسی را از بصره و بغداد می‌خرند و با ضرب مجدد این سکه‌ها در قالب محمودی، که ارزش کم‌تری داشت، سودی به دست می‌آورند، ولی از نظر کیفی اعتبار گذشته را